

فقه اطلاع‌رسانی

❖ محمدرضا زیبایی‌تزاد

استاد و پژوهشگر ادیان و مذاهب

اشاره

دست‌اندرکاران عرصه رسانه‌ها که در نگاهی کلان به گردآوری، پردازش و ارائه اطلاعات و اخبار به جامعه و مخاطبان خود می‌پردازند، همواره در مسیر انجام کامل و مؤثر فعالیت‌های خود با بازدارنده‌ها و دغدغه‌هایی چند دست به‌گریبان هستند؛ بازدارنده‌ها و دغدغه‌هایی که برآمده از چیستی فعالیت حرفه‌ای در محیط رسانه‌ای است و رعایت و توجه به آن از سویی، سبب‌ساز تضمین حقوق جامعه و از سوی دیگر، موجب فراغت خیال و آزادی عمل اهل آن حرفه می‌شود و درک و دریافتی معقول و منطقی از جایگاه، نقش و شیوه‌های اطلاع‌رسانی و خبررسانی رسانه‌ها در جامعه و در پاسخگویی به نیازهای مخاطبان پدید می‌آورد.

دستیابی به چارچوب‌های دقیق، روشن و منسجم در تبیین و تحلیل فعالیت‌های رسانه‌ای که بتواند با بهره‌گیری از ارزش‌ها، باورها و جهان‌بینی توحیدی حاکم بر محیط بومی جامعه به تصحیح و تکمیل قواعد حقوقی موجود و ایجاد دستورالعمل‌های روزآمد حرفه‌ای در رسانه‌ها، به‌ویژه رسانه‌های جمعی و فراگیر رادیو و تلویزیون بپردازد، ضرورتی است که نیازمند درافکندن طرح‌های نو و طی راه‌های ناپیموده بسیار در این عرصه است تا از رهگذر درک آن، محیطی امن، آرامش‌بخش و شفاف برای اهل رسانه و دریافتی معقول، منطقی و همه‌کس‌فهم برای جامعه و مخاطبان، پدید آید.

گفتار پیش رو، در چنین راستایی، شایسته درک و فهم خوانندگان است؛ گفتاری که در جلد اول مجموعه مقالات «نخستین هم‌اندیشی اخلاق مطبوعاتی روزنامه‌نگاران مسلمان» آمده است و باوجود بیش از یک دهه از زمان بیان و نگارش آن، همچنان دارای آموزه‌های بسیار برای سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و برنامه‌سازان رسانه‌ای ملی چون صداوسیما، و رسانه‌ای اطلاع‌رسان و صمیمی چون رادیوست:





تحلیل و جوابگویی نشده است. بسیاری از مسائلی که در این مجال مورد بحث قرار گرفته است در ارتباط با شرایط خاص اجتماعی و مسائل جهانی به موضوعاتی پیچیده مبدل می‌شوند که تحلیل آنها و تعیین وظیفه در قبال آنها کار ساده‌ای نبوده، نیازمند مطالعه و تحقیق بیشتر است.

۱- منابع رسانه‌ای نباید خبری را که به کذب آن اطمینان دارد به اطلاع مخاطبان رساند

«کذب» به خبری اطلاق می‌شود که با واقعیت خارجی مطابق نیست، اما عنوان «کاذب» (دروغگو) تنها به شخصی اطلاق می‌گردد که به عدم انطباق خبر با واقعیت باور داشته باشد و با وجود این، اقدام به خبرپراکنی نماید. حرمت دروغ تنها مستند به دلیل قرآنی و روایی نیست. دیگر ادیان نیز آن را عملی زشت می‌دانند و خرمندان آن را تقبیح می‌کنند.^۱

گرچه دروغ را از گناهان بزرگ شمرده‌اند،^۲ اما در صورتی که این عمل در قالب انتساب کلام و حکمی به خداوند، پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) و اولیاء دینی باشد، از قبح بیشتری برخوردار است.^۳ اکثر آیات قرآن در اینباره ناظر به دروغ بستن به خدا و رسول است.

س: اگر گوینده خبر به دروغ بودن آن مطمئن نیست و قرینه‌ای بر تأیید آن نیز در دست ندارد، بلکه در صدق و کذب آن تردید دارد، آیا می‌تواند آن را نقل کند؟

پس از روشن شدن مقدمات یادشده، می‌توان موضوعات بحث را در محورهایی همچون فقه اطلاع‌رسانی، حقوق رسانه‌ها و خبرنگاران، حقوق رسانه‌ای مردم، حق متقابل حکومت و رسانه‌ها، ضوابط حاکم بر هیئت نظارت بر رسانه‌ها، مسائل حقوقی دادگاه تخلفات رسانه‌ای و... مورد بررسی قرار داد. از این میان، نوشتار حاضر عهده‌دار بحث اول، یعنی فقه اطلاع‌رسانی است. قبل از ورود به بحث، ذکر چند نکته ضروری است:

الف: در این بحث درصدد تعیین وظیفه شرعی دستگاه رسانه‌ای هستیم. در بسیاری از موارد حاکم شرعی منوط به نیت و غرض شخص می‌شود که فقط خود بر آن آگاه است، به همین جهت بسیاری از احکام ذکرشده، جنبه قانونی و حقوقی ندارند، گرچه مقدمات طرح مباحث حقوقی خواهند بود.

ب: مسائل ذکرشده در این مباحث را نباید به‌عنوان احکام مسلم اسلامی به‌شمار آید، زیرا بسیاری از آنها نیاز به تأملات بیشتر و جست‌وجوی عمیق‌تر در مبانی دینی و شناخت ژرف‌تر موضوعات خارجی دارد. بنابراین اگر طرح این مباحث بتواند فضایی مناسب برای حرکت‌های عمیق و علمی و فقهی ایجاد کند، نویسنده به هدف خود نائل آمده است.

ج: از آنجا که فقاهت سنتی ما در طول تاریخ کمتر در موضوع هدایت مسائل اجتماعی قرار گرفته است، بسیاری از مسائل اجتماعی، خصوصاً موضوعات مستحدثه، آنچنانکه باید، شناسایی،

دیباچه

ارائه الگویی دینی برای سامان‌دادن و هدایت رسانه‌ها بر چند مقدمه استوار است:

۱- خارج از عالم ذهن و تمایلات ما حقایق ثابت و لاتغیری وجود دارد.

۲- هویت متعالی انسان و رشد معنوی او در ارتباط وی با خداوند و پیروی از راهنمایی الهی معنا می‌یابد. متمدن‌ترین ملل جهان، در صورت محروم‌ماندن از هدایت الهی، ملتی رشد نیافته‌اند.

۳- اسلام دین کامل، خاتم و راهنمای جاوید انسان‌هاست که به همه ابعاد کمال آنها توجه نموده است. ویژگی مهم دین اسلام داشتن «شریعت» است که بدون التزام به مقررات آن نمی‌توان الگویی دینی ارائه کرد.

۴- ما اکنون نیز به شریعت دسترسی داریم و بعد زمانی ما را از دستیابی به تمام، یا دست‌کم اکثر احکام الهی محروم نکرده است و با شیوه اجتهاد می‌توان به الگویی مناسب با هر زمان دست یافت.

الگوی پیشنهادی دین با الگوهای رایج در شرق و غرب تفاوت‌های فاحشی دارد. فهم این واقعیت که جاهلان به حقیقت انسان، صلاحیت تعیین ضوابط حقوقی و ارائه الگو و برنامه را ندارند، مبتنی بر زدودن زنگار خودباختگی و شناخت درست واقعیت تمدن مادی غرب است؛ تمدنی که با حربه انسان‌محوری و آزادی به جنگ انسانیت و آزادی رفته است.

ج: در صورتی که گوینده مشکوک بودن خبر را به اطلاع مخاطبان برساند، مسئله از عنوان کذب خارج می‌شود و در صورتی که گوینده قرینه‌ای بر مورد تردید بودن خبر اقامه نکند، کذب تلقی می‌شود و از این رو نقل آن جایز نیست. امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام)^۴ در این باره می‌فرماید: بر تو جایز نیست که هر چه می‌خواهی تکلم کنی، چون خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ چیزی را که به آن علم نداری دنبال مکن» (اسراء: ۳۶). پرواضح است که این آیه خبر مشکوک را هم دربرمی‌گیرد.^۵

س: دروغ به قصد مزاح و شوخی چه حکمی دارد؟

ج: اگر این دروغ مخاطب را به اشتباه اندازد و احتمال صدق خبر را القا کند، عملی حرام است. اما اگر نوع مخاطبان به واقعی نبودن خبر اطمینان دارند و غرض از چنین اخباری مزاح و تفریح با مخاطبان باشد (همچون مجلات فکاهی، ستون‌های طنز و برنامه‌های تفریحی رادیو و تلویزیون) حرمت آن مورد اختلاف فقهاست.

نظر امام خمینی (ره) آن است که اگر قرینه‌ای بر اراده شوخی و هزل از کلام در کار باشد، دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد. هر چند روایات متعددی دروغ شوخی را نیز نهی می‌کنند.^۶ اما نمی‌توان از آنها حرمت این عمل را استفاده کرد، گرچه ترک این نوع شوخی مطابق احتیاط (مستحب)^۷ است.^۸ البته در صورتی که مخاطب از غرض متکلم آگاهی نداشته، این خبر را حمل بر سخن جدی کند، چنین خبری حرام است. برای مثال به یاد دارم که پس از انقلاب اسلامی در صفحه اول روزنامه‌ای خبر مرگ شاه درج گردید. بسیاری از مردم با حرص و ولع اقدام به خرید روزنامه کردند، اما با شگفتی ملاحظه کردند که در صفحات بعد، آن جمله از دروغ‌های روز سیزدهم نوروز دانسته شده بود. در مقابل رأی بالا آیت‌الله خامنه‌ای در پاسخ به استفتاء فرموده‌اند که دروغ شوخی جایز نیست و از این جهت تفاوتی بین اراده جدی و اراده هزل نیست.

س: آیا دروغ مقوله‌ای است که فقط در مسموعات راه دارد یا نوشته‌ها و علائم و اشارات نیز می‌توانند دروغ باشند؟

ج: تفاوتی در اطلاق عنوان کذب و حرمت آن، بین سخن، نوشته، علامات و اشاراتی که به گونه‌ای از واقعیت خارجی حکایت می‌کنند

نیست. به‌عنوان مثال اگر شخصی از وقوع حادثه‌ای سؤال کند و خبرنگاری، که به عدم وقوع حادثه اطمینان دارد، سر خود را به علامت تصدیق حرکت دهد، مرتکب حرام شده است.

نکته: در سخن مجازی یا کنایه به معنای ظاهری لفظ توجه نمی‌شود، بلکه باید دید منظور گوینده از گفتن چنین مجاز و کنایه‌ای چیست. اگر معنای مورد نظر متکلم مطابق با واقعیت خارجی نبود، چنین کلامی دروغ است. به‌عنوان مثال اگر مقصود از جمله «امام دریای متلاطم علم و خورشید هدایت بود» نشان دادن مرتبه بلند علمی و رهبری داهیه‌انه وی باشد، کلامی صادق است ولی اگر همین جمله در مورد شخصی عادی به کار رود از مصادیق کذب است.^۹ تعبیر مبالغه‌آمیز هم در صورتی که وجه شباهت واقعاً موجود باشد، کذب نخواهد بود. مثلاً عبارت «صدبار بدی کردی و دیدی ثمرش را» نظر بخصوص به عدد «صد» ندارد و اگر شخص مخاطب زیاد به افعال بد ارتکاب می‌ورزد، استعمال این جمله صحیح است.^{۱۰}

نکته: کذب در جملات خبری که غرض از آن حکایت واقعیت است، راه دارد: اما جملات انشایی به صدق و کذب متصف نمی‌شوند. به‌عنوان مثال، اگر در روز گرم گفته شود: «امروز سرد است» جمله‌ای خبری و کاذب است؛ اما اگر گفته شود «چه روز سردی!» کلام کاذبی نیست و اگر گفتن چنین جمله‌ای حرام باشد، دلیل آن حرمت کذب نیست.

نکته: تعبیر دادن عبارات گوینده در هنگام نقل قول او در صورتی جایز است که معنای مورد نظر گوینده را تعبیر ندهد. به چنین عملی نقل به معنا گفته می‌شود. در تقطیع و خلاصه‌نمودن خبر هم باید این نکته رعایت شود و تلخیص خبر با اصل آن مغایرت نداشته باشد. گاهی خبر به گونه‌ای تقطیع می‌شود که جمله‌های تقطیع شده واقعاً همان سخنان گوینده‌اند، اما تغییر معنوی زیادی در کلام به وجود می‌آید. به‌عنوان مثال، یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در دوره اول گفته بود: «من رئیس مجلس را وزنه‌ای بسیار سنگین برای انقلاب می‌دانم، اما این بدان معنا نیست که نمایندگان تابع نظریات یک نفر باشند؛ در برخی موارد ایشان نظری را ابراز کرده که من محکم مقابل ایشان ایستاده‌ام و بعد هم ثابت شده که نظر من صحیح بوده است». یکی از

نشریات سخنان وی را به این صورت تقطیع کرده بود: «من محکم مقابل ایشان ایستاده‌ام». چنانچه ملاحظه می‌شود، الفاظ این عبارت واقعاً کلام متکلم است، اما معنایی را القا می‌کند که با مقصود گوینده بسیار متفاوت است. چنین تغییری در صورتی که مصداق کذب هم نباشد، از جهت عناوینی دیگر چون تحریف، هتک گوینده و خیانت در امانت، خبری ممنوع می‌شود. البته چنین ضابطه‌ای را در موتورهای فیلم‌ها و تقطیع آنها نیز باید لحاظ نمود.

نکته: مواردی چند از حرمت کذب استثنا شده است. یکی از این موارد، مورد خوف و اکراه است؛ یعنی جایی که شخص گوینده مورد تهدید قرار می‌گیرد. **قرآن** می‌فرماید: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيْمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَ قَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيْمَانِ وَ لَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبُ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ (نحل: ۱۰۶)؛ هر کس پس از ایمان آوردن به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد شد] مگر آن کس که مجبور شده ولی قلبش به ایمان اطمینان دارد. لیکن آن کسانی که سینه‌شان به کفر گشاده گردد، خشم خدا بر آنهاست و بر ایشان عذابی بزرگ خواهد بود» البته خوف و اکراه ممکن است تهدیدات جانی و آبرویی باشد.

مورد دوم جایی است که کذب موجب دفع فتنه از جامعه اسلامی و یا اصلاح روابط اجتماعی و ارتباط انسان‌ها با یکدیگر شود و عنوان مفسده‌انگیزی بر آن مترتب نباشد. روایات بسیاری بر این مضمون دلالت می‌کند.^{۱۱} می‌توان اخباری را که در جهت نزدیک کردن جناح‌های اسلامی به یکدیگر و رفع کدورت از آنهاست، مصداق خوبی برای این مورد دانست.

مورد سوم از موارد استثنا، دروغ‌هایی است که هنگام جنگ به‌منظور اغوای دشمن و تقویت نیروهای خودی طرح می‌شود.^{۱۲} ممکن است درج مطالب خلاف واقع در نشریات خودی، اطلاعات نادرستی را به دشمن بدهد که باعث به‌هم‌خوردن محاسبات آنها گردد.

در صورتی که دروغ از فتنه‌هایی جلوگیری کند، جایز شمرده می‌شود، و هرگاه راستگویی ملازم با ایجاد فساد گردد، از مصادیق عمل حرام خواهد بود.^{۱۳} باید توجه داشت که جواز کذب در موارد ذکر شده در صورتی است که منجر به دروغ‌بستن به خدا و پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

نشود؛ زیرا ما حق نداریم به جهت اصلاح بین اشخاص، دست از بیان احکام الهی برداشته، آن را وارونه ارائه دهیم. حرمت کذب در بیان احکام الهی تنها در صورتی است که خوف تضعیف دین و هلاکت مؤمنان (در مقام تقیه) برداشته شده است.

۲- ذکر منبع خبری بر رسانه‌ها لازم نیست و جز به حکم دادگاه نمی‌توان رسانه را به این کار اجبار نمود.

انتشار اخبار بدون ذکر گوینده آن به لحاظ فقهی امری مباح است و کسی مجاز نیست جلوی فعالیت‌های مباح دیگران را بگیرد و تصرف در حقوق دیگران و منع آنها از اطلاع‌رسانی و یا اجبار به ذکر منبع خبری تسلطی ظالمانه است که تحت ادله حرمت ظلم واقع می‌شود.

البته حکم مذکور تا زمانی استمرار دارد که به بروز مشکلاتی در جامعه منجر نشود. اما اگر مصونیت رسانه‌ها از ذکر منبع خبری سبب شود که هر خبر دروغ و هر اتهامی به بهانه لازم نبودن ذکر منبع در رسانه‌ها انتشار یابد و امنیت اجتماعی و آبروی مردم و نهادهای قانونی و اقتدار ملی خدشه‌دار گردد، در این صورت برای جلوگیری از هرج و مرج اجتماعی و نیز هتک احترام به شخصیت‌ها، هیئت نظارت بر مطبوعات و یا دادگاه مطبوعاتی می‌تواند نشریات را موظف به ذکر منبع خبری نماید. البته چنین حکمی، که منوط به ضرورت یک دوره خاص زمانی و شرایط خاص اجتماعی است، باید با احراز ضرورت و تا زمان باقی‌بودن شرایط اضطراری و در محدوده موضوعاتی باشد که عدم ذکر منبع در آنجا همراه با خوف ضرر خواهد بود، اما در حالت عادی که خوف چنین خطری نیست و یا اگر خطری هم موجود باشد ضرر ناشی از اجبار خبرنگار بیش از آن است، چنین حکم ثانوی موضوعیت ندارد.

نکته: در صورتی که حاکم شرع از رسانه‌ای درخواست ذکر منبع خبر منتشر شده را بکند، لازم است منبع خبر به جهت بررسی میزان صدق اتهامات وارده به افراد و نهادها به حاکم شرع ارائه گردد.

نکته: در مواردی که عدم ذکر منبع و مأخذ سرقت ادبی و تضییع حق و ظلم به صاحبان اصلی مطالب تلقی شود، اشاره به مأخذ ضروری خواهد بود. همچنین به لحاظ تسهیل امر داوری خوانندگان در مورد صحت و سقم خبر، ذکر مأخذ

امری است مطلوب.

۳- تهمت و افترا به شخصیت‌های حقیقی و حقوقی در قالب درج خبر، تحلیل، و غیر آن حرام است

ابتدا لازم است به اختصار، توضیحی درباره سه اصطلاح تهمت، افترا و بهتان بیان شود.

«تَهْمَةٌ» و «تَهْمَةٌ» که از ریشه «وهم» گرفته شده است، به معنای ظن است و معمولاً در جایی استعمال می‌شود که عمل شخصی را بر گمان بد حمل کرده، به وی نسبت سوء دهیم. لفظ افترا و بهتان نیز معنایی تقریباً مترادف با تهمت داشته و به معنای نسبت‌دادن اعمال زشت و ناروا به دیگران است.

بنابراین افترا زدن به دیگران با علم به دروغ بودن آن گناهی بزرگ است و نیز تهمت‌زدن به اشخاص - با وجود احتمال وجه صحیح در عمل آنها - عملی نارواست. قابل ذکر است که گاه این اصطلاحات به جای هم استعمال می‌شوند.

قرآن درباره اتهام به مؤمنان آیاتی دارد، از جمله می‌فرماید: لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا أَفْكٌ مِّبِينٌ... إِذْ تَلَقَوْهُ بِاللَّسْتَنَّاكِمْ وَتَقُولُونَ يَا فَوَاحِشُ مَا لَيْسَ لَكُم بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هِينًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ وَ لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قَتَلْتُمْ لَنَا أَنْ تَنكَلُمَ بِهِذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ (نور: ۱۶-۱۲)؛ چرا هنگامی که آن [بهتان] را شنیدید مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند این بهتانی آشکار است؟... آنگاه که آن [بهتان] را از زبان یکدیگر می‌گفتید و با زبان‌های خود چیزی را که بدان علم نداشتید می‌گفتید می‌پنداشتید کاری سهل و ساده است. با اینکه آن [امر] نزد خدا بس بزرگ بود. و [گر نه] چرا وقتی آن را شنیدید نگفتید برای ما سزاوار نیست که در این [موضوع] سخن گوئیم [خداوند] تو منزهی، این بهتانی بزرگ است.

در سوره حجرات نیز درباره داشتن گمان‌های بد به دیگران چنین آمده است: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ... (حجرات: ۲۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است.

در کتب روایی نیز روایات متعددی در بیان حرمت این عمل قبیح نقل شده است.^{۱۴} از جمله امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «هر کس به

انتشار اخبار بدون ذکر گوینده آن به لحاظ فقهی امری مباح است و کسی مجاز نیست جلوی فعالیت‌های مباح دیگران را بگیرد و تصرف در حقوق دیگران و منع آنها از اطلاع‌رسانی و یا اجبار به ذکر منبع خبری تسلطی ظالمانه است که تحت ادله حرمت ظلم واقع می‌شود.

اصولاً در منابع اسلامی شخصیت برجسته مؤمن از چنان عظمتی برخوردار است که برخی روایات احترام شخص مؤمن را افزون از احترام کعبه دانسته‌اند. این روایات باید رعایت کامل احترام و حفظ شخصیت مؤمنان به عمل آید.



شخصی بهتان زند، خداوند عزوجل در قیامت او را در سرزمینی مملو از پلیدی‌ها محبوس نماید.^{۱۵} و نیز آن حضرت فرمود: «هرگاه مؤمن برادر دینی خود را متهم کند، ایمان در قلبش ذوب و محو می‌گردد مانند نمک در آب.»^{۱۶}

س: ادله ذکر شده نظر به اشخاص داشت. آیا در حرمت اتهام به دستگاه‌ها و نهادها (شخصیت‌های حقوقی) هم می‌توان دلیلی اقامه نمود؟

ج: در اغلب موارد اتهام به دستگاه، ناگزیر به معنای اتهام به مسئولان مربوطه است. به عنوان مثال اتهام به شهرداری‌ها به معنای وجود اشکال در عملکرد شهردار و مسئولان مربوطه است و بنابراین مصداقی از تهمت به اشخاص خواهد شد. به علاوه ایراد اتهام به دستگاه‌ها، موجب تضعیف نهاد مربوطه شده و پایه‌های نظم اجتماعی و حکومت اسلامی متزلزل می‌شود که از این جهت هم مصداق عملی ممنوع خواهد بود.

نکته: گاهی نسبت‌های داده شده به اشخاص و گروه‌ها و نهادها، نسبت گناه نیست، بلکه اتهام ضعف و نقص است که آثار فراوانی هم بر آن مترتب خواهد شد. در چنین مواردی هم ممکن است به حرمت این گونه اتهامات و نسبت‌های ناروا حکم نمود. از اطلاقات برخی ادله این باب چنین استفاده می‌شود که هرچه از نظر شرع و عرف عقلاً عیب و نقص به حساب آید، موضوع این حکم خواهد بود، خصوصاً در چنین مواردی که ظلم بودن آن محرز است.

۴- توهین، دشنام، ایذاء، استهزاء، طعنه و عیبجویی به دیگران در قالب خبر، مقاله و تحلیل و گزارش و غیر آن حرام است

آیات و احادیث موارد مذکور را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود:

الف: آنها که درباره حرمت ایذاء مؤمن است و تنها به ذکر یک آیه و یک حدیث اکتفا می‌شود: «وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بَغَيْرِ مَا كَتَبْنَا فَتَدْرِأُونَ أَلَمْ نَجْعَلْ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» که مردان و زنان مؤمن را بی‌آنکه مرتکب [عمل زشتی] شده باشند آزار می‌رسانند، قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته‌اند. «(احزاب: ۸۵)» امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «خداوند فرموده است: کسی که بنده مؤمن مرا اذیت کند

باید به من اعلام جنگ دهد».^{۱۷} گرچه آیه مذکور تنها به حرمت اذیت نمودن مؤمن در کارهایی که مرتکب نشده نظر دارد، اما روایات این باب ذکر عیوب مؤمن به منظور ایذاء وی را هم شامل می‌شود^{۱۸} و نباید آن را با امر به معروف و نهی از منکر که به غرض اصلاح انجام می‌شود خلط نمود.

ب: نصوصی که درباره حرمت توهین به شخص مؤمن است: گرچه در نگاه ابتدایی تفاوت چندانی بین اهانت و ایذاء به نظر نمی‌رسد، اما در واقع دو مفهوم مختلف می‌باشند. مشخصه ایذاء چنانکه از نامش پیداست، ناراحت کردن شخص است، حال آنکه ویژگی اهانت، خوار و بی‌اعتبار و سبک‌ساختن اوست.

در متون روایی، روایات متعددی بر حرمت این عمل ناپسند دلالت می‌کند. امام باقر (علیه‌السلام) فرمود: «زمانی که پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) به معراج رفت فرمود: پروردگارا! شخص مؤمن در نزد تو چه جایگاهی دارد؟ خداوند فرمود: ای محمد! هر کس به دوست من (مؤمن) اهانت کند، به جنگ من برخاسته است و من پیش از هر چیز به یاری دوستانم خواهم شتافت».^{۱۹}

ج: نصوصی که درباره تحریم استهزاء و تمسخر مؤمن است.

خداوند در **قرآن کریم** خطاب به گروهی که در جهنم جاودان خواهند بود می‌فرماید: اِنَّهٗ كَانَ فَرِیْقٍ مِّنْ عِبَادِ یَقُولُوْنَ رَبَّنَا اَمَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَ اَنْتَ خَبِیْرٌ الرَّحِیْمِیْنَ. فَاتَّخَذَ تَمُوْهُمُ سَخِرَیًّا حَتّٰی اَنْسُوْهُمُ ذِكْرٰی وَ كُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُوْنَ؛ در حقیقت دسته‌ای از بندگان من می‌گفتند: پروردگارا، ایمان آوردیم. بر ما بیخشای و به ما رحم کن، تو بهترین مهربانانی. و شما آنها را به ریشخند گرفتید تا [با این کار] یاد مرا از خاطرتان بردند و شما بر آنها می‌خندیدید. و در آیه‌ای دیگر خطاب به مؤمنان می‌فرماید: یا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا یَسْخَرُوْا قَوْمٍ مِّنْ قَوْمٍ عَسٰی اَنْ یَّكُوْنُوْا خَیْرًا مِنْهُمْ وَلَا یَسْءَلُوْا مِنْ نِّسَاءِ عَسٰی اَنْ یَّكُنَّ خَیْرًا مِنْهِنَّ وَلَا یَكْفُرُوْا اَنْفُسَکُمْ وَلَا تَنَابَزُوْا بِاللِقَابِ بَیْسَ الْاِسْمِ الْفُسُوْقِ بَعْدَ الْاِیْمَانِ وَ مَنْ لَّمْ یَتُبْ فَاُولٰٓئِکَ هُمُ الظَّالِمُوْنَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نباید زنانی زنان دیگر را ریشخند کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیب مگیرید و به همدیگر لقب‌های زشت مدهید، چه ناپسندیده است نام

زشت پس از ایمان. و هر که توبه نکرد آنها خود ستمکارند. (حجرات: ۱۱)

د: نصوصی که در مقام نهی از دشنام به دیگران است. ۲۰

در این باره روایات بسیاری، هم در منابع شیعی و هم در کتب اهل سنت یافت می‌شود.^{۲۱} امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید: پیامبر خدا (صلی‌الله علیه و آله) فرمود: دشنام‌دادن به مؤمن و فسق و قتال با او کفر است...^{۲۲} و نیز امام کاظم (علیه‌السلام) می‌فرماید: کسی که در ابتدا لب به دشنام گشود بدکارتر است.^{۲۳} چنانچه از ملاحظه و دقت در آیات و روایات مذکور در چهار عنوان معلوم می‌شود، حرمت عناوین مزبور اختصاص به مؤمن دارد و اصولاً در منابع اسلامی شخصیت برجسته مؤمن از چنان عظمتی برخوردار است که برخی روایات احترام شخص مؤمن را افزون از احترام کعبه دانسته‌اند.^{۲۴} از این رو باید رعایت کامل احترام و حفظ شخصیت مؤمنان به عمل آید.

نکته: ملاک در صدق عنوان دشنام هتک حرمت، عرف است. چه بسا تعبیر خاصی در زمانی مصداق دشنام نبوده و هم‌اکنون در عرف جامعه ما دشنام و هتک حرمت به حساب آید، یا به عکس. به همین جهت باید در نظر داشت که نوع خاصی از سخن‌پراکنی و طنز در برخی ممالک، سبب هتک حرمت مسئولان و شهروندان آن کشور نیست. اما با تقلید این نوع برنامه‌ها و اجرای آنها در مطبوعات داخلی ممکن است به عمل حرامی مبتلا شویم و نباید عادی‌بودن برخی برنامه‌ها در برخی کشورها را دلیل بر حسن اجرای آن در دیگر ممالک دانست. همین‌گونه است نسبت‌دادن لقبی به شخص یا صنفی خاص.

نکته: برخی عناوین از جمله عنوان هتک حرمت و دشنام از عناوین عرفی هستند که تحقیقشان منوط به قصد فاعل نیست، بلکه اگر عرف مردم از نوعی عمل و نحوه‌ای برخورد عنوان هتک حرمت، یا دشنام، یا تحقیر استفاده کند، این عمل عنوان هتک حرمت، دشنام و تحقیر خواهد داشت. به همین جهت در صورتی که دستگاه رسانه‌ای بداند که درج یا قرائت مطلبی و یا انتشار عکسی، سبب تحقیر و هتک حرمت شخصی خواهد شد، نباید به این کار اقدام کند، هرچند عامل درج خبر قصد هتک وی را نداشته باشد.

س: با توجه به مطالب عنوان شده چه دلیلی بر جواز انتشار مجلات طنز و کاریکاتور، یا ستون‌های فکاهی، و نیز برخی برنامه‌های طنز رادیو و تلویزیونی که معمولاً نیش‌دار و همراه با القاب خاصی به افراد محترم و تمسخر برخی نهادها و شخصیت‌هاست می‌توان ارائه داد؟

ج: انتشار این‌گونه مطالب، مجمع عناوین مختلف است. از طرفی این نشریات نوعاً از اهانت، تحقیر و تمسخر افراد و نهادها خالی نیست. به علاوه روش برخی از آنها این است که برخی مسئولان را به القابی ناخوشایند معرفی می‌کنند. از این گذشته انتشار این‌گونه مطالب سبب می‌شود که در درازمدت، اخلاق عمومی به سمت بذله‌گویی و مسخرگی رود که این خود اثری منفی خواهد داشت. ناگفته نماند که چون فرهنگ هزل و طنز به گونه‌ای با فرهنگ بی‌کاری و تن‌پروری پیوند دارد، جامعه از جدیت و تلاش بیگانه خواهد شد. از طرف دیگر جامعه ما پیوندی عمیق با فکاهیات دارد و شوخ‌طبعی از ویژگی‌های جامعه ایرانی است. در چنین محیطی بسیاری انتقادات سازنده را، که در قالب‌های معمول نمی‌توان بیان نمود، به راحتی می‌توان در قالب طنز بیان کرد و افکار عمومی را با نارسایی‌ها آشنا نمود. به علاوه، وجود نشریات انتقادی که بی‌پروا بوده و مسئولان خاطمی، از نیش قلمشان درامان نباشند، باعث خواهد شد که مسئولان محتاطانه‌تر گام بردارند.

هرچند که در جامعه ما، وجود نشریات طنز دارای فواید زیادی است، اما این مجوز اهانت و دشنام به دیگران نمی‌شود. مطالب انتقادآمیز را در قالب طنز به گونه‌ای می‌توان به مردم ارائه داد که شخصیت افراد جریحه‌دار نشود.

س: آیا شخص می‌تواند حق احترام شخصیت خود را به دیگران ببخشد و به آنها اجازه غیبت، مسخره‌کردن و دست‌انداختن و تقلید صدا و... را بدهد؟
ج: خداوند، همچنانکه احترام دیگران و حفظ حریم آنها را بر ما لازم کرده است، حفظ شخصیت و احترام خود ما را نیز لازم شمرده است. ما نمی‌توانیم به دیگران اجازه دهیم شخصیت‌مان را نادیده بگیرند. شخصی که مرتکب گناه غیبت

و هتک احترام دیگران شده، باید توبه کند و از شخص هتک شده نیز طلب بخشایش کند تا مورد آمرزش قرار گیرد. این بدان معنا نیست که شخص، مجاز باشد از ابتدا به دیگران اجازه چنین اعمالی دهد. امام خمینی در بحث غیبت می‌فرماید: «احتمال اینکه دلیل حرمت غیبت، مواردی را که شخص معتاب راضی به عمل باشد یا از این عمل احساس ناراحتی نکند، شامل نشود در غایت ضعف است، چون افشای اسرار که خداوند آن را مستور داشته است همچون گناهان و عیوب مخفی و مسائل آبرویی آنها حتی بر خود آنها هم جایز نیست و از حقوقی که قابل اسقاط باشد به حساب نمی‌آید.»^{۲۵}

نکته: مواردی چند از حرمت دشنام و توهین استثناء شده‌اند. از جمله این موارد شخص متجاهر به فسق است. شخصی که با تظاهر به گناه، تبهکاری خود را به نمایش می‌گذارد شخصیت خود را در این مورد پایمال کرده است و در خصوص این گناه احترامی ندارد. البته باید توجه نمود که در بسیاری موارد شخص نسبت به قبح عمل انجام شده بی‌اطلاع است که در این صورت فاسق و متجاهر به فسق نخواهد بود.

گرچه روایات مربوط به شخص متجاوز به فسق، در باب غیبت عنوان شده است، اما برخی از این احادیث نشان می‌دهند که این شخص اصولاً احترامی در جامعه ندارد و مسئله جواز غیبت حکمی انحصاری نبوده و قابل تعدی به سب و توهین هم هست. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هنگامی که شخص فاسق گناه خود را علناً اظهار نمود، احترامی ندارد و غیبتی در مورد وی نیست»^{۲۶} (غیبتش جایز است). البته باید توجه داشت که ممکن است بیان مفاسد او از باب دیگری جایز نباشد، مثلاً به لحاظ اشاعه فحشا.

س: برخی افراد در جامعه اسلامی گناه علنی انجام نمی‌دهند اما در خارج از کشور به فسادهای علنی چون شراب‌خواری، قمار و بی‌حجابی مبتلا هستند. آیا چنین اشخاصی در داخل کشور مورد احترام هستند یا مثل متجاهر به فسق با آنها برخورد می‌شود؟

ج: امام خمینی (ره) در این مورد چنین می‌فرماید: ... احتیاط آن است که چنین برخوردی نشود، بلکه بعد نیست که ادله جواز غیبت متجاهر

به فسق چنین موردی را دربر نگیرد... خصوصاً با ملاحظه نمودن روایاتی که مفاد آن اهتمام نسبت به آبروی مسلمین و عدم افشای اسرار آنها و عدم تحقیر و اهانت آنهاست.»^{۲۷}

مورد دوم از مواردی که توهین و دشنام و لعن و تمسخر شخص جایز شمرده شده، جایی است که شخصی برای دین و احکام دینی احترام قائل شده و در دین بدعت‌گذاری کند، حلال را حرام بداند و حرام را حلال معرفی کند و به خداوند و پیامبر وی دروغ بزند و سبب تحریف در دین شود. چنین شخصی هم از احترام برخوردار نیست و قبح عمل وی از متجاهر به فسق به مراتب بیشتر است. خداوند نسبت به بدعت‌گذاری در دین، چنان حساسیتی نشان داده که کمتر نظیری برای آن می‌توان یافت.^{۲۸}

به تعبیر برخی از فقها شخص بدعت‌گذار، اگر در احکام شرعی بدعت ایجاد کند، متجاهر به فسق است و اگر در اصول دین و عقاید اسلامی بدعت ایجاد کند، کافر است. در هر دو صورت از احترام شخص مؤمن و محترم برخوردار نیست.^{۲۹} به علاوه روایات زیادی در ترغیب مردم به لعن و برائت اهل بدعت و خدشه‌دار کردن احترام آنها وارد شده است.^{۳۰}

نکته: در مواردی که حکم به حرمت هتک و دشنام و تمسخر می‌شود، مسئولان دستگاه رسانه‌ای هتک‌کننده، باید علاوه بر توبه، از شخص مزبور به‌طور علنی عذرخواهی کرده و از وی اعاده حیثیت کنند.

نکته: در صورتی که هجو کردن و توهین و هتک نسبت به متجاهر به فسق و بدعت‌گذار موجب شود که ناآگاهان، بیشتر به گرد شخص بدعت‌گذار جمع شوند و یا متجاهر به فسق را بر فساد حریص‌تر کند، نباید به چنین کاری اقدام نمود.

نکته: چنانچه در ابتدا ذکر شد، در صورتی که شخص سابقه گناه داشته و پس از آن درصدد جبران برآمده و هم‌اکنون در زمره صالحان به حساب می‌آید، نباید عمل گذشته وی را که سبب آزرده شدن او می‌شود به رخ وی کشید. این عمل زشت «تعبیر» نامیده می‌شود و یکی از محرمات است. بنابراین نشریاتی که در بایگانی خود مجموعه عملکرد افراد و نهادها را گردآوری می‌کنند تا بنا به شرایط خاص زمانی، آنها را رسوا کنند و شخص و گروه مربوطه را هتک

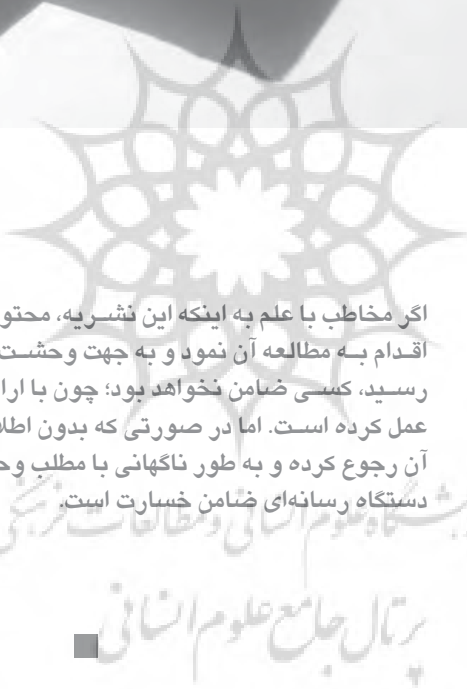
نمایند، باید در عملکرد خود تجدیدنظر کنند؛ مگر آنکه خوف نفوذ این افراد در نهادهای کلیدی و سوءاستفاده آنها از رحمت جامعه اسلامی در میان باشد.

۵- افشای اسرار افراد بدون کسب مجوز از مقامات صالح ممنوع است

این عمل از یک طرف مصداقی از هتک شخصیت مؤمن است و هتک مؤمن جایز نیست. از طرف دیگر موجب طرح و رواج منکرات در جامعه می‌شود. در جامعه انسانی که افراد متعددی با سلیقه‌ها و روحیه‌های متفاوت در کنار هم زندگی می‌کنند، وجود تعدادی خطاکار و گنهکار امری طبیعی (و نه صحیح) است. امام تمامی انسان‌ها، به خصوص زمامداران و مسئولان جامعه باید بکوشند تا حد امکان در پوشیده‌نگاه داشتن گناهان و آرامش فرهنگی جامعه تلاش کنند. اگر محیط اجتماعی گرفتار جوی نآرام و غیرمطمئن شده و امنیت اجتماعی از میان برود و هر شخصی احساس کند که در میان مشت‌تبهکار و خطایشه زندگی می‌کند، نه تنها حس اعتماد و حسن نظر به هموعان از بین رفته و تعاون اجتماعی دچار خلل می‌گردد، بلکه ارتکاب گناه نیز فزونی می‌یابد.

قرآن کریم نسبت به افشای بدی‌ها و رواج منکرات می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ کسانی که دوست دارند زشتکاری در میان آنها که ایمان آورده‌اند شیوع پیدا کند، برای آنها در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود» (نور: ۱۹). روایتی از امام موسی بن جعفر (علیه السلام) این آیه را افشای بدی‌های برادران مؤمن تطبیق کرده است.^{۳۱}

نکته: چنانچه از مضمون آیه قرآن و روایات متعدد این باب^{۳۲} استفاده می‌شود، حرمت در صورتی است که گناهان خصوصی و نقیصه‌های شخصی افراد در محیط اجتماعی مطرح گردد؛ یعنی دو خصوصیت عمده در مسئله مدنظر است: غیرعلنی و عیب بودن. افشای خصوصیت‌های خوب و اموری که از نظر شرع و عرف عیب به حساب نمی‌آید، گرچه مصداق افشاگری است، اما رسم نیست، چون ادله حرمت به دو عنوان هتک و اشاعه فساد نظر دارد که هیچ‌کدام در این مورد موجود نیست. حتی اگر خود شخص به افشای خصوصیات مثبت خود راضی نباشد،



اگر مخاطب با علم به اینکه این نشریه، محتوی مطالب ترس آور است، اقدام به مطالعه آن نمود و به جهت وحشت از مطلبی ضرری به وی رسید، کسی ضامن نخواهد بود؛ چون با اراده و میل خود اقدام به این عمل کرده است. اما در صورتی که بدون اطلاع از محتویات رسانه به آن رجوع کرده و به طور ناکهانی با مطلب وحشت‌انگیز برخورد نمود، دستگاه رسانه‌ای ضامن خسارت است.

ذکر آمار و ارقام فساد و بزهکاری و منکرات در نشریه‌های عمومی اگر موجب شود که فسادهای مخفی جنبه‌ای علنی به خود گیرد مصداق اشاعه فحشا خواهد بود. به همین جهت گزارش و آمارهای مزبور باید فقط در تیراژ محدود به محققان و صاحب‌نظران و مسئولان مربوطه ارائه گردد.

اشکالی در افشای آن نیست، مگر آنکه عنوانی دیگر از محرمان بر آن منطبق گردد.

نکته: چنانچه از مطالب مطرح شده و دقت در روایات دیگر معلوم می‌شود، حرمت ذکر شده، اختصاص به افشاگری نسبت به مؤمنان دارد. اقلیت‌های مذهبی نیز که در حمایت حکومت اسلامی زندگی می‌کنند، نسبت به جان، مال و ناموس خود مصونیت دارند و نمی‌توان متعرض آنها شد^{۳۳} و اگرچه احترام خاصی که در جامعه اسلامی نسبت به افراد با ایمان اعمال می‌شود باید احترامی ویژه و براساس اخوت اسلامی باشد که غیر مؤمنان از آن بی‌بهره‌اند، اما نسبت به اقلیت‌های مذهبی نیز باید عدالت و رفتار انسانی رعایت شود و لذا کسی نمی‌تواند آنها را مورد ایذاء قرار دهد. حضرت علی (علیه‌السلام) در نامه معروف خود به مالک اشتر می‌فرماید: «نسبت به رعایا رحمت و محبت را در دل داشته و به آنها لطف نمای و نسبت به آنها همچون حیوانی درنده که در انتظار دریدن آنهاست مباش، چون مردم تحت ولایت تو دو گروه‌اند: گروهی برادر دینی تواند و گروهی مخلوقاتی همچون تو.^{۳۴}

به‌علاوه اگر ارتباط زنده با اقلیت‌های مذهبی داخل و انسان‌های خارج از کشور، موجب بدجلوه‌دادن فرهنگ مسلمین و اهانت به شخصیت اسلامی آنها گردد، از باب تضعیف اسلام و مسلمین و هتک مسلمانان جایز نیست.

س: آیا حکم ذکر شده در مورد شخصیت‌های حقوقی و نهادهای مملکتی هم جاری است؟ به‌عنوان مثال خبرنگاری در ضمن تحقیقات خود، به‌وجود اختلاس، زد و بند و مسائل خلاف شرع و قانون در نهادی پی می‌برد، آیا حرمت افشا به چنین شخصی هم تعلق خواهد گرفت؟

ج: چنین مواردی از مصادیق تراحم میان عناوین مختلف است و حکم آن به حسب مورد متفاوت خواهد بود. از طرفی افشاگری نسبت به یک دستگاه اجرایی و نهاد قانونی، مسئولان مربوط را در معرض هتک قرار خواهد داد و به اشاعه فحشا منجر خواهد شد و از طرف دیگر ادامه چنین روندی موجب تضييع حقوق مردم، بدبین‌شدن آنها به نهادهای قانونی، همکاری نکردن مردم با نهادها و بالاخره تضعیف نظام اسلامی خواهد شد و رسانه‌ها به‌عنوان نهادی که در هدایت

جامعه و جلوگیری از منکرات نقش عمده دارند می‌توانند مؤثر واقع شوند. می‌توان گفت در صورت مشاهده فساد در نهادها و سازمان‌ها اگر اطلاعات موجود دقیق و یقین‌آور باشد و طریق مقابله با فساد منحصر به کشیدن مسئله به افکار عمومی و قراردادن متخلف به در مقابل مردم باشد و خوف از فسادی بزرگ‌تر در میان نباشد، چنین عملی مصداق نهی‌ازمنکر و جایز است.

اما به هر حال باید توجه داشت که در صورتی که گناه از یک فرد صادر شده و می‌توان با تذکر، و تهدید به افشاگری و تماس با مسئولان وی را به جبران فساد وادار نمود، نوبت به افشاگری نخواهد رسید و مراجع تقلید در کتاب امر به معروف و نهی از منکر ذکر می‌کنند که در صورتی که تذکرات فردی در شخصی گنهکار

گاهی انتشار یک خبر به خودی خود موجب هراس نیست، بلکه انضمام اخبار مختلف به هم و یا کثرت انتقال این نوع خبر به مردم وحشت‌آفرین است، در صورت رسیدن اخبار به حدی که موجب وحشت جامعه گردد، باید از انتشار آن جلوگیری کرد.

مؤثر نباشد و راه جلوگیری منحصر در تذکر در محیط جمعی باشد^{۳۵}، چاره‌ای از آن نیست. البته باید توجه داشت که ممکن است افشاگری‌های مکرر و پی‌درپی، موجب بروز منکری بزرگ‌تر شده و باعث انحراف افکار عمومی گردد و به جامعه حالت ناامنی القا نماید، چنانچه برخی نشریات در افشاگری‌های پی‌درپی و گاه ذکر مسائل تأییدنشده و بزرگ‌نمایی و آب و تاب دادن به مطالب، کار را به جایی می‌رسانند که به بسیاری این فکر القا می‌شود که در کشور ما تمامی مسئولان بر سر سفره بیت‌المال به تاراج و چپاول آن مشغولند. به ایجاد چنین حالتی، از محرمات به حساب می‌آید و باید از آن اجتناب نمود.

نکته: ذکر آمار و ارقام فساد و بزهکاری و منکرات در نشریه‌های عمومی اگر موجب شود که فسادهای مخفی جنبه‌ای علنی به خود گیرد مصداق اشاعه فحشا خواهد بود. به همین جهت گزارش و آمارهای مزبور باید فقط در تیراژ محدود به محققان و صاحب‌نظران و مسئولان

مربوطه ارائه گردد.

نکته: افشای سابقه در مورد افرادی که هم‌اکنون در حال خدمت به مردم هستند جایز نیست، مگر آنکه احتمال نفوذ این شخص در دستگاه‌های حساس به جهت رخنه در نظام و تضعیف آن باشد.

۶- افشای اسرار مملکتی در منابع خبری و اطلاعاتی حرام است

این مسئله بدان علت تحت عنوانی مستقل ذکر شد که ملاک در مبحث افشای اسرار مردم و نهادها، حرمت اهانت به مؤمنان و اشاعه فساد است. اما ملاک این مسئله، ادله فراوانی است که در کلام فقها برای حرمت تقویت دستگاه کفر و مقدمه‌سازی تسلط کافران، ظالمان، تضعیف اسلام و مقدمه‌سازی هتک مسلمانان و اضرار به منافع آنها ذکر شده است.

اسرار مملکتی می‌تواند اطلاعات سری نظامی، مسائل مالی و مشکلات کلیدی کشور، برنامه‌های آتی دولت که اطلاع بیگانگان و عوامل فتنه از آن به ضرر کشور تمام می‌شود و حتی فرمول ترکیبی و اختراعات و اکتشافاتی را که سبب طمع بیگانگان در تسلط یافتن بر مملکت یا به‌انزوا کشاندن دولت و در نتیجه ضرر به مسلمین گردد، شامل شود. امام خمینی (ره) در کتاب **تحریر الوسیله** مبحث مکاسب محرمه می‌فرماید: «فروختن اسلحه به دشمنان دین چه در حال جنگ با مسلمین و چه در حال جدایی (جنگ سرد) حرام است... بلکه حرمت به راهزنان و امثال آنان هم سرایت می‌کند (و فروش سلاح به آنها جایز نیست). همچنین مسئله حرمت فروش سلاح، به فروش هر چیزی که سبب تقویت و سلطه آنها بر حق‌باوران گردد سرایت می‌کند. چنانچه ملاحظه می‌شود ملاک حرمت، تقویت کفار در مقابل مسلمانان است که محل بحث هم مصداق ظاهر آن است.

۷- ایجاد رعب و هراس در قالب انتشار اخبار، تحلیل‌ها، چاپ عکس و نظایر آن حرام است

علاوه بر آنکه ترسانیدن اشخاص، مصداق ایذاء و حرام است، به‌عنوان ترسانیدن هم مورد نهی واقع شده است. عبدالله بن سنان از امام صادق (علیه‌السلام) چنین نقل می‌کند: «امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: رسول الله (صلی‌الله علیه و آله) چنین فرمود: هر کس به مؤمن

به گونه‌ای نگاه کند که با آن نگاه او را بترساند، خداوند وی را در روزی که هیچ پناهگاهی جز پناه الهی موجود نیست، خواهد ترسانید.^{۳۶}

بنابراین رسانه‌هایی که به حوادث ترسناک و هراس‌انگیز می‌پردازند و با تصاویر و تیتراهای مخصوص در جامعه وحشت ایجاد می‌کنند باید به مسئله فوق توجه کنند.

نکته: ملاک ترسناک بودن، عرف عمومی است، لذا رعایت حال افراد غیرعادی، که به جهت حالات خاص نفسانی، سریع دچار وحشت می‌شوند، لازم نیست. از طرفی برخی مطالب برای گروه سنی خاصی همچون کودکان و نوجوانان وحشت‌آور است. چنین برنامه‌هایی نباید در رسانه‌های مخصوص کودکان منعکس شوند.

نکته: در صورتی که به جهت هراس‌انگیز بودن مطلب، زبان مالی و یا جانی به مخاطبان وارد آمد، در برخی صورت‌ها دستگاه رسانه‌ای نسبت به خسارت وارده ضامن است.

اگر مخاطب با علم به اینکه این نشریه، محتوی مطالب ترس‌آور است، اقدام به مطالعه آن نمود و به جهت وحشت از مطلبی ضرری به وی رسید، کسی ضامن نخواهد بود؛ چون با اراده و میل خود اقدام به این عمل کرده است. اما در صورتی که بدون اطلاع از محتویات رسانه به آن رجوع کرده و به طور ناگهانی با مطلب وحشت‌انگیز برخورد نمود، دستگاه رسانه‌ای ضامن خسارت است. به‌عنوان مثال، اگر زنی حین تماشای فیلم سینمایی به‌طور غیرمنتظره، به صحنه‌ای ترسناک برخورد کرده و فرزند خود را سقط کند، در صورتی که دستگاه رسانه‌ای بدون اطلاع قبلی (نسبت به ترسناک بودن فیلم) اقدام به نمایش آن کرده و صحنه‌های فیلم هم حاکی از نمایش صحنه‌ای خشن و هول‌انگیز در لحظات آینده نباشد، آن دستگاه ضامن خواهد بود.^{۳۷} به‌عنوان یک ضابطه کلی باید گفت هرگاه که وارد آمدن ضرر به اشخاص از نظر عرف، به دستگاه رسانه‌ای استناد یابد، این دستگاه نسبت به ضررهای وارد شده ضامن خواهد بود.

نکته: گاهی انتشار یک خبر به خودی خود موجب هراس نیست، بلکه انضمام اخبار مختلف به هم و یا کثرت انتقال این نوع خبر به مردم وحشت‌آفرین است، در صورت رسیدن اخبار به حدی که موجب وحشت جامعه گردد، باید از انتشار آن جلوگیری کرد.

نکته: ترساندن در صورتی ممنوع است که در مخاطب اثر سوء داشته، وی را از حالت تعادل خارج کند. اما گوش‌زد کردن خطرها که باعث احتیاط بیشتر می‌شود (مثل خطر بازی با برق و خطر ابتذال فرهنگی و...) اشکالی ندارد.

۸- هیچ رسانه‌ای حق ندارد در جهت گسترش ظلم در جامعه و تقویت ظالمان گام بردارد

کمک بر ظلم به هر صورت، حرام است. پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) فرمود: «چون قیامت برپا شود، منادی خواهد گفت: کجا بید کمک‌کنندگان به ظالمان و آنها که برایشان مرکب و دوات آماده نموده یا کیسه‌ها را می‌بستند و برایشان با قلم می‌نوشتند؟ آنها را همراه با ظالمان محشور خواهند نمود.»^{۳۸}

امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید: «کمک به ظالمان در ستم‌کاری آنها، بلکه در هر حرامی، بدون اشکال حرام است. از پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) وارد شده است که فرمود: «کسی که به سوی ظالمی برود تا او را کمک کند در حالی که می‌داند که او ظالم است همانا از اسلام خارج شده است... اما کمک به آنها در غیر محرمات جایز است، به شرط آنکه جزو اعوان و حاشیه‌نشینان و منسوبین ایشان شمرده نشود، اسمش در دیوان آنها نوشته نشود و این کمک موجب زیاد شدن شوکت و قوت آنها نگردد.»^{۳۹}

موضوع حرمت در این مسئله تقویت ظلم و ظالم است؛ هرچند این تقویت از انتشار اخبار صحیح حاصل شود. به همین جهت رسانه‌های خبری و تحلیل‌گران باید دقت کنند که در جهان ارتباطات که جهان‌خواران و ظالمان بین‌المللی سعی در کنترل دستگاه‌های ارتباطی، کتمان حقایق مثبت کشورهای جهان سوم و تبلیغ نقاط ضعف کشورهای اسلامی دارند، مبادا با تحلیل‌ها و اطلاعاتی که بدون توجه با آثار آن به مخاطبان ارسال می‌کنند موجب تقویت آنها و تضعیف نیروهای خودی و مظلومان گردند.

نکته: آگهی انتخاباتی و غیرانتخاباتی افراد و گروه‌هایی که از جهت عقیده و عمل فاسد بوده و یا تبلیغ آنها موجب ترویج باطل و تقویت ظلم و فساد می‌شود، حرام است.

س: در مواردی که اشخاص و گروه‌هایی برای ما ناشناس هستند و

نسبت به فساد آنها و نسبت به تحقق عنوان تقویت ظالم تردید داریم آیا چاپ و انتشار آگهی آنها جایز است؟

ج: در صورتی که مسئله از امور خطیر باشد که احتمال فتنه و تسلط اشرار بر مردم و تضعیف نظام اسلامی در میان باشد، به صرف احتمال ترویج باطل و تقویت ظلم، باید تا روشن شدن حقیقت دست نگه‌داشت. و در صورتی که احتمال فتنه و تضعیف نظام در کار نباشد، انتشار آگهی تبلیغاتی و غیر آن بلااشکال است.

نکته: آگهی‌های تجاری و غیر آن که موجب تقویت شرکت‌ها و دولت‌های صهیونیستی و ضداسلامی شود، ممنوع است.

۹- انتشار مطالب خلاف اسلام حرام است

مراد از مطالب خلاف اسلام مسائلی است که مخالفت آن با عقاید و احکام اسلامی محرز باشد، به گونه‌ای که هر دین‌آشنایی بر مخالفت آن صحه گذارد. بنابراین مطالبی که مورد اختلاف آرای فقها و علمای اسلامی است از تحت این حکم خارج است.

این بحث در محث کتب ضلال از کتب مکاسب محرمة مطرح شده است. امام خمینی (ره) در **تحریر الوسیله** در همین مبحث چنین نوشته‌اند: «نگهداری کتب ضلال و استنساخ و خواندن و تدریس و درس گرفتن آنها اگر هدف صحیحی در آن نباشد حرام است». عرض صحیح مثل آنکه شخص قصد ابطال و اشکال کردن بر آنها را داشته باشد و برای چنین هدفی هم صلاحیت داشته و ایمن از گمراهی باشد. اما صرف آگاهی‌یافتن برای عوام که خوف گمراهی و لغزش آنها می‌رود، جزو اغراض صحیح نیست.

بنابراین برچین مردمی لازم است از کتاب‌هایی که مشتمل بر مطالبی است که مخالف عقاید مسلمین است خصوصاً کتاب‌هایی که مشتمل بر شبهات و مغلطه‌کارهایی است که مردم عادی از حل و دفع آن عاجزند اجتناب ورزند و برای ایشان خرید و نگهداری و حفظ آنها جایز نیست بلکه بر آنها واجب است آنها را از بین ببرند.^{۴۰} گرچه کلام نقل شده در مورد کتب ضلال بود اما مطالب گمراه‌کننده را، به هر شکل که باشد، دربرمی‌گیرد.

نکته: اخذ اجرت در مقابل حرام، حرام است.^{۴۱}

و انتشاردهندگان این نوع مطالب، در مقابل عمل خود حق دریافت دستمزد نخواهند داشت. چنین حکمی در مورد انتشاردهندگان مطالب دروغ، تهمت و دیگر مطالبی که مصداق عمل حرام است هم صادق است.

س: با توجه به ممنوعیت طرح آرای انحرافی، چگونه می‌توان زمینه طرح مسائل فرهنگی را فراهم نمود و رسالت رسانه‌ها در جهت ارائه اطلاعات فرهنگی چگونه حاصل شود؟

ج: ما منکر لزوم طرح افکار باطل جهت پاسخگویی به شبهات و واکنش‌های فرهنگی جامعه و احیاناً استخراج نظریاتی صحیح از دل نظریات طرح‌شده نیستیم؛ اما مکانیزم کار باید به گونه‌ای باشد که سبب انحراف افکار ساده نگردد. طریق صحیح کار بدین صورت است که ابتدائاً در تماس با مراکز فرهنگی شبهات و آرای مختلف در تیراژی محدود در دسترس محققان قرار می‌گیرد و پس از بررسی‌های لازم و حل اشکالات، مسئله همراه با پاسخ مناسب آن به گونه‌ای که موجب تبلیغ آرای انحرافی نباشد، به اطلاع عموم می‌رسد.

س: آیا درج مطالب غیراسلامی در نشریات تخصصی که فقط محققان، قدرت فهم و درک آن را دارند جایز است؟

ج: در فرض مذکور اگر مخاطبان این نوع مقالات محققانی باشند که به حدی از قوت عملی‌اند که خوف انحراف و گمراهی آنها نیست، اشکالی در انتشار چنین نشریاتی نیست؛ بلکه اشکال در واقعیت‌یافتن چنین فرضی است. به فرض آنکه مجلات تخصصی عمومی خوانندگان مخصوص خود را داشته باشند، اما اغلب خوانندگان به درجه‌ای از رشد علمی نرسیده‌اند که قدرت تحلیل صحیح داشته باشند و مسئله برای خود آنها هم طرح اشکال می‌کند به همین جهت تحقق فرض مذکور در نهایت ندرت خواهد بود.

۱۰- اقدام آگاهانه علیه نظام اسلامی در قالب شایعه‌پراکنی، نشر اکاذیب، تحلیل‌های مختلف و غیر آن حرام است
ادله محکم قرآنی و روایی، کارهای تضعیف دین، دلیل ساختن مسلمین، هموارکردن سلطه

مسئله دفاع از

ارزش‌های اسلامی
خصوصاً پس از
پیروزی انقلاب
اسلامی که کشور
ما آماج توطئه‌های
گوناگون قرار گرفته
است، از مهم‌ترین
وظایف حرفه
روزنامه‌نگاری و
دستگاه‌های رسانه‌ای
است. برنامه‌های
فرهنگی جهانی و
منطقه‌ای، روابط
سیاسی، قراردادهای
اقتصادی، روابط
بین‌المللی و مسائل
مشابه، هر کدام ممکن
است مصداقی از
هجوم کلمه کفر بر
کلمه توحید باشند.



کفار و فاسدان را از محرمان بزرگ می‌دانند و مسائل مربوط به وجوب دفاع از حریم مملکت و دفع سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی بیگانگان^{۴۳} هم دلالتی روشن بر حرمت مخالف و تضعیف نظام اسلامی دارند.

مخالفت با نظام اسلامی گاه در قالب ابراز مخالفت و اقدام علیه رکن‌هایی است که حافظ موجودیت یا اسلامیت نظام اسلامی‌اند، و گاه در مخالفت با شخصیت‌های حقیقی است که هم‌اکنون حافظ نظام اسلامی‌اند، همچون شخص ولی فقیه، و گاه در قالب دفاع از نظام‌های کفر و نظریه‌های ضددینی است؛ به‌گونه‌ای که ملازم با مخالفت با نظام است. امروزه در تمامی کشورهایی که براساس یک نظام هماهنگ اداره می‌شوند، «خط قرمز» وجود دارد.

حفظ استحکام نظام حکومتی از اموری است که تمامی عقلا بر آن اتفاق نظر دارند و طبیعی است که هر نظامی از تمامیت و هویت خود دفاع کند. البته باید محدوده حفظ هویت نظام اسلامی معلوم باشد تا هر کس که زبان به انتقاد علیه برخی مسئولان گشود، به مخالفت با نظام متهم نشود.

نکته: ملاک در اقدام علیه نظام اسلامی، نشر اکاذیب و شایعات نیست، بلکه حتی انتشار خبر صحیح، اگر منجر به تضعیف نظام گردد، ممنوع است. پس در تحقق عنوان «حرام» دو شیء، موضوعیت دارد:

۱- انتشار این خبر و تحلیل در تضعیف حکومت مؤثر باشد.

۲- انتشار آن به غرض تضعیف حکومت باشد و لااقل با علم و یا احتمال^{۴۴} تضعیف حکومت انتشار یافته باشد.

نکته: گاهی انتشار یک مطلب در شرایط عادی موجب تضعیف و اختلال نظام نیست اما تب و تاب موجود در جامعه، ضعف فرهنگی و حساسیت‌های اجتماعی وضعیت را به‌گونه‌ای مسموم نموده است که انتشار چنین اخباری در روند جامعه تأثیر گذاشته و موجب اختلال در نظام می‌شود. در چنین حالتی هم باید در حفظ نظام کوشش نمود.

۱۱- انتشار مطالبی که موجب فساد اخلاقی، جریحه‌دار شدن عفت عمومی، ایجاد پدیده هرزگی و شکسته‌شدن سنن حسنه باشد حرام است چاپ عکس‌های محرک شهوت، ترغیب به

بی‌بندوباری و آزادی جنسی، ترغیب به قمار و ربا، استفاده از کلمات رکیک و ترویج فحاشی، مصادیقی از مسئله موردبحث است.

مراد از عفت عمومی خصوصیتی است که باعث قبح گناه در نظر فرد شده، مانع از انجام آن می‌شود و شخص عقیف شخصی است که از آنها اجتناب کند عنوان عفت و نظر به خصوص مسائل شهوت‌آمیز ندارد.

در عرصه مطبوعات، حرمت موارد ذکرشده، گاه به این دلیل است که مطلب منتشرشده مصادق عمل حرام است؛ همچون استفاده از الفاظ رکیک و فحاشی و گاه به این جهت است که انتشار آن زمینه‌ساز بروز ناهنجاری‌ها و فساد دینی و اخلاقی در جامعه و اعانت بر گناه بوده و در نتیجه حرام است و گاه حرمت آن به جهت اقدام برضد مصالح اجتماعی و ایجاد مفسده است که به توضیح هر کدام خواهیم پرداخت.

در تحریم استعمال الفاظی که خود مصادق حرمت هستند روایات زیادی در عناوین «هجر، فحش، و بذا» که تقریباً هم‌معنا هستند وارد شده است.^{۴۵} چنین کلماتی صرف‌نظر از آنکه سبب توهین و هتک دیگران شوند، حرام است.

ابوبصیر از امام صادق (علیه‌السلام) چنین نقل می‌کند: «یکی از علامات قطعی شیطانی بودن عمل آن است که شخص فحاش باشد؛ نه مبالاتی به آنچه می‌گوید دارد؛ و نه ترسی دارد از آنکه در موردش چه بگویند.»^{۴۵}

گاهی الفاظ و کلمات بدان دلیل که حامل معنای مخصوصی هستند، مصادق عمل حرامند. به عبارت دیگر استعمال الفاظ آن در نظر عرف قبیح نیست اما جمله، مصادق عمل حرام است، همچون دروغ، هجو، توهین ...

یکی از موارد دیگر که ممکن است با کار خبرنگاری در ارتباط نباشد، شهادت باطل است، یعنی در جایی که پیگیری قضیه‌ای (از جهت قضایی یا از جهت تأثیرات جانی، مالی و آبرویی حتی خارج از سیستم قضایی) منوط به شهادت خبرنگارانی است که در متن واقعه حضور داشته‌اند، شهادت دروغ آنها مصادقی از گناه کبیره است و باعث تضییع حقوق مردم خواهد شد. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: شاهد زور (دروغ) قبل از آنکه از محل شهادت خود قدمی بردارد، آتش جهنم بر وی واجب می‌شود.^{۴۶} و گاهی نیز مطالب منتشرشده از جهت زمینه‌سازی

و اشاعه فساد و گناه مصادق فعل حرام هستند، که به مصادیقی از آن اشاره می‌کنیم:

الف: ذکر مطالبی که سبب ایجاد اختلاف یا دامن‌زدن به آن شود (در موردی که از اختلاف نهی شده باشد)، به‌عنوان مثال مطالبی که موجب از میان رفتن حیا در خانواده و رودرو قرار گرفتن زن و شوهر می‌شود و یا درج مطالبی که اختلافات جناح‌های سیاسی را دامن زده و موجب بی‌ثباتی مملکت و داغ‌شدن جو تهمت و افترا شود.

ب: درج داستان‌ها، نوشته‌ها و عکس‌هایی که شهوت جنسی را در جوانان تحریک کرده و موجب بروز مفسد اخلاقی و نامناسب‌شدن روابط اجتماعی شود.

ج: درج مطالبی که مردم را به بی‌تفاوتی در مقابل فساد و گناه ترغیب کند یا آنها را به طرفداری از مفسدان تشویق نماید.

د: مطالبی که کفار و منحرفان را در اذهان عمومی، بسیار نیک و برجسته جلوه دهد و اهل حق و حقیقت را منحط و بی‌فرهنگ معرفی کند.

در تمامی این موارد و موارد مشابهی که زمینه‌ساز فساد اخلاقی در جامعه است، می‌توان به ادله حرمت استناد نمود. از طرفی در تمامی این موارد «اعانت بر اثم» صدق می‌نماید که به فتوای بسیاری از علما و مراجع حرام است.

امام خمینی (ره) معتقدند که صرف‌نظر از دلیل نقلی، عقل به قبح اعانت بر گناه فراهم آوردن اسباب منکر و معصیت حکم می‌کند، به علاوه آیه شریفه «ولا تعاونوا علی الاثم و العداون»^{۴۷} و برخی روایات به همین مضمون وارد شده‌اند.^{۴۸} و از طرف دیگر آیه شریفه «انّ الذین یجوبون ان تَشِيعَ الفاحشه فی الذین آمنوا لهم عذاب الیم» هم در محل بحث وارد می‌شود و مسئله مصادق اشاعه فحشا می‌گردد و در بسیاری از موارد، چنین اعمالی مصادق ترویج کفر و فرهنگ بیگانگان مهاجم و تقویت دشمنان اسلام و تضعیف پایه‌های حکومت اسلامی و یا تقویت دشمنان دین است.

نکته: برخی اعمال، مصادق واجب و حرام شرعی نیستند اما اسلام یا عرف عقلا، آن را یک سنت حسنه دانسته‌اند، همچون احترام به سالمندان و بزرگ‌ترها، ادب سخن‌گفتن خصوصاً در برابر بزرگ‌ترها، خضوع زن در مقابل همسر خود و... هرچند تبلیغ این اعمال، وظیفه

دستگاه‌های رسانه‌ای نیست اما تبلیغ ضد آن جایز نیست حتی اگر عملکرد رسانه‌ها در جهت انحراف از این ارزش‌ها باشد ممکن است جایز نباشد. شاید گمان شود که مستحبات و سنن حسنه واجب نیست تا دستگاه‌های رسانه‌ای ملزم به زمینه‌سازی جهت ترویج این امور باشند، بلکه وظیفه آنها، عدم انکار این مستحبات است، اما این گمان، درست نیست. چون ممکن است عملی از جهت شخصی مصداق حرمت و وجوب نباشد، اما در بعد حکومتی حرام یا واجب باشد؛ زیرا حکومت در مقابل احاد ملت مسئول است که زمینه رشد و ارتقاء فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را فراهم آورد مطابق کلام فقها جواز تصرفات ولی و حاکم منوط به وجود مصلحت است و حاکم و ولی نمی‌تواند در مال افراد تحت نظارت خود به غیرمصلحت عمل کند. قدر متیقن آن است که تصرف نباید مفسده داشته باشد و جهات مربوط به مصالح و مفاسد شخصی حتماً باید ملاحظه گردد. لذا صرف بودجه‌های ملی و تشکیل دستگاه‌های رسانه‌ای فقط به منظور رشد و ارتقای مردم توجیه‌پذیر است. به علاوه در صورتی که چنین فعالیت‌هایی اضرار به مردم باشد، باید بر طبق قاعده مسلم «لا ضرر» از آن اجتناب کرد.

نتیجه آنکه ترویج فرهنگ مصرفی، مدگرایی و... هر چند ممکن است مصداق فعل حرام نباشد، اما چون به مصلحت جامعه اسلامی نیست ترویج آن حرام است.

نکته: گفتیم که انتشار شایعات اگر همراه با قرائن قطعیت خبر ذکر نشود، مصداق کذب نیست. اما این مسئله دلیل بر درستی انتشار شایعات نیست. اگر جامعه را محیطی تحقیقی بدانیم که به شایعه به اندازه ارزش آن بها می‌دهد نه بیشتر، می‌توان انتشار چنین اخباری را جایز دانست؛ اما چنین نیست، بلکه مردم معمولاً شایعات را مثل یک واقعیت به یکدیگر منتقل کرده و به آن ترتیب اثر می‌دهند. به علاوه ترویج شایعات، موجب بی‌اعتمادی مردم به نظام اسلامی و به نهادها و جناح‌ها و افراد شده و در روابط اجتماعی تأثیرات سوء می‌گذارد و حتی اعتماد مردم را به رسانه‌ها کم می‌کند که در این صورت ترویج شایعات حرام است.^{۴۸}

نکته: علاوه بر آنکه مطبوعات و رسانه‌ها نباید در مسیر فساد گام بردارند، لازم است در اهتمام به امور مردم مؤمن خصوصاً آتشبار آسیب‌پذیر و

مستضعف کوشا باشند و تبلیغات آنها در جهت بی‌ارزش‌دانستن سرمایه‌داری و رفع مشکل حاجتمندان باشد؛ نه تقویت مستکبران.

در زمینه اهتمام به امور مسلمین و خیرخواهی آنها روایات فراوانی وارد شده است. علی‌بن‌جعفر از برادر بزرگوارش امام موسی‌بن‌جعفر (علیه‌السلام) چنین نقل کرده است: «هرکس که برادر مؤمنش به درگاهش حاجتی آورد، این حاجت رحمتی است که خداوند به سویش فرستاده است؛ اگر این رحمت را قبول کرد و به برآوردن حاجت برادرش همت گماشت ولایت ما را دریافته است و به ولایت الهی رسیده است و اگر از برآوردن حاجت برادرش کوتاهی نمود، با وجود آنکه قدرت بر انجام آن داشت، خداوند ماری آتشین بر وی مسلط خواهد نمود که در قبر وی را تا برپایی قیامت خواهد گزید، چه این شخص بالاخره آمرزیده شود و یا به عذاب (قیامت) گرفتار آید...»^{۴۹}

اهتمام به امور مسلمانان، خصوصاً اگر همراه با تقاضای کمک از جانب آنها باشد امری مطلوب است و رسانه‌ها، که در جوامع نوین وسیله‌ای مناسب برای انتقال مشکلات مردم به مسئولان و گره‌گشایی از آن به حساب می‌آیند، وظیفه‌ای خطیر برعهده دارند. حتی اگر اهتمام به امور مسلمانان از نظر فقهی واجب نبوده و تنها امری اخلاقی و مستحب باشد، اگر رسانه‌ها وابسته به حکومت باشند و یا قدری از احتیاجات مالی خود را از یارانه‌های حکومتی تأمین کنند، چون تصرفات حکومت منوط به وجود مصلحت و دفع مفسده است، دریافت این کمک‌ها مسئولیت اهتمام به امور مردم را برای رسانه ایجاد می‌کند و در صورت تغافل از این مهم، تصرف آنها در اموال عمومی مشکل و شبهه‌ناک خواهد بود.

نکته: حکومت اسلامی نباید از مطبوعاتی که حمایت کند. بر خورداری نشریاتی که مصداق کتب ضلال هستند از امکانات دولتی و یارانه‌ها جایز نیست، مگر آنکه در همین مسئله مصلحت مهم‌تری برای جامعه اسلامی ملاحظه شده باشد.

نکته: توجه به هر مسئله‌ای که به حسب شرایط زمانی و مکانی و فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و انتقادی از مصالح مسلمین به حساب می‌آید، موضوع بحث ماست. بنابراین نشریات تخصصی پزشکی، فنی و... هم که با توجه به

این نیاز فعالیت می‌کنند به امور مسلمین اهتمام ورزیده‌اند.

۲۱- در مقابل تهاجم فرهنگی، سیاسی، نظامی و اقتصادی کفار و بیگانگان به مملکت اسلامی و در مقابل انحرافات و فسادهای داخلی باید به هر وسیله ممکن عکس‌العمل نشان داد

دفاع از کیان و حیثیت اسلام از بزرگ‌ترین وظایف مسلمانان است که منوط به اذن حاکم هم نیست. از نظر فقهی دفاع از حیثیت اسلام در مقابل تهاجم دشمنان داخلی و خارجی، واجب کفایی است.

مسئله دفاع از ارزش‌های اسلامی خصوصاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی که کشور ما آماج توطئه‌های گوناگون قرار گرفته است، از مهم‌ترین وظایف حرفه روزنامه‌نگاری و دستگاه‌های رسانه‌ای است. برنامه‌های فرهنگی جهانی و منطقه‌ای، روابط سیاسی، قراردادهای اقتصادی، روابط بین‌المللی و مسائل مشابه، هر کدام ممکن است مصداقی از هجوم کلمه کفر بر کلمه توحید باشند. شناخت توطئه‌های جهانی، آشنایی با ماهیت فرهنگ و تمدن کنونی بشر و روابط بین‌المللی، شناسایی جریان‌های داخلی و خارجی که زمینه‌ساز نفوذ بیگانگان و تضعیف روحیه مردم و انحراف در مسیر متعالی جامعه و ارزش‌های انسانی است و آشنا کردن مردم با ابعاد مختلف توطئه‌ها و دفاع فرهنگی از حریم تمدن اسلامی وظیفه خطیر رسانه‌هاست. به حسب اهمیت این مسئله احکامی را از تحریرالوسیله امام بیان می‌کنیم:

- «اگر دشمنی، که از او براساس اسلام و مجتمع اسلامی ترس باشد، بلاد مسلمانان و یا مرزهای آن را مورد هجوم قرار دهد بر مسلمانان واجب است که به هر وسیله ممکن با جان و مال از آن دفاع نمایند».

- «اگر بر قلمرو اسلام از استیلای سیاسی و اقتصادی، که منجر به اسارت سیاسی و اقتصادی مسلمین و موهون شدن اسلام و مسلمین و ضعیف شدن آنها می‌شود، خوف باشد، با وسیله‌های مشابه و مقاومت‌های منفی، دفاع واجب است».

- «اگر روابط سیاسی دول اسلامی با بیگانگان موجب استیلای آنها بر بلاد مسلمین یا نفوس و اموالشان شود یا موجب اسارت سیاسی مسلمین

گردد، بر رؤسای دولت‌ها حرام است که چنین روابطی داشته باشند و بر مسلمین واجب است آنها را ارشاد کنند».

– «اگر بعضی از رؤسای دول اسلامی یا بعضی از نمایندگان مجلس، موجب نفوذ سیاسی یا اقتصادی بیگانگان بر مملکت اسلامی گردند، به طوری که نفوذ موجب ترس براساس اسلام یا بر استقلال مملکت ولو در آینده باشد... بر امت اسلامی واجب است که، ولو با مقاومت منفی مانند ترک معاشرت و ... او را مجازات کنند و در اخراج او از تمام شئون سیاسی و محروم نمودن او از حقوق اجتماعی اهتمام ورزند».

– «اگر یکی از رؤسای دولت اسلامی و وکلا، در جهت نفوذ اجانب گام بردارد، خائن و مخلوع است و بر امت اسلامی مجازات او واجب است؛ ولو با مقاومت منفی».^{۵۱}

چنانچه ملاحظه شد، دفاع از دین به اندازه‌ای اهمیت دارد که هر کس در حدتوان باید به آن اهتمام ورزد و رسانه‌ها یکی از بهترین ابزار دفاعند.

س: آیا نشریاتی که موضوع فعالیت آنها امور غیرسیاسی و غیرفرهنگی مثل ورزش، سرگرمی، فنی، سینما و... است، مقابل تهاجم فرهنگی و... باید عکس‌العمل نشان دهند؟

ج: مسئله دفاع از عظمت اسلام و وظیفه نهادی خاص نیست. اگر رسانه‌های دیگر به اندازه نیاز، به این مهم اقدام کرده باشند، ضرورتی به اقدام آنها نیست. در غیر این صورت به هر وسیله ممکن باید در تحریک رسانه‌های دیگر کوشیده و یا خود مستقیماً مقابله نمایند. نتیجه این حکم شرعی آن است که تمامی رسانه‌ها و نشریات، در مقابل توطئه‌های فراگیر دشمنان موظف به دفاعی بتوانند هستند. حتی در برخی شرایط مثل زمان جنگ، نشریاتی که خوانندگان خاص خود را دارند، باید در فضای مناسب با حالت دفاع قرار گیرند.

۱۳- هیچ‌کس نباید در روند اطلاع‌رسانی به مردم اخلال ایجاد کند.

در این مقام دو سؤال عمده طرح می‌گردد:
۱. آیا عامل خارجی می‌تواند دستگاه رسانه‌ای را ملزم به حذف بعضی اخبار و اطلاعات کند؟
۲. آیا خود رسانه‌ها می‌توانند به گونه‌ای اطلاعات لازم را از مردم دریغ کنند؟

در پاسخ به سؤال اول باید گفت که مسئله از دو جهت قابل بررسی است: اول آنکه اختلال و منع در کار رسانه‌ها، از جمله حذف و سانسور اخبار و جلوگیری از چاپ و انتشار اخبار، تصرف در شئون دیگران به حساب آمده و در غیر از موارد استثنایی که به حکم شرع و قانون مشخص می‌شود (همچون جلوگیری از ترویج شایعات و مطالب مفسده‌انگیز و مخالف اخلاق عمومی) حرام است. جهت دوم آن است که چنانکه بیان شد، در جهان کنونی، رشد جوامع انسانی بدون رشد اطلاعاتی^{۵۲} و ارتباطی میسر نیست و حکومت اسلامی موظف است در جهت رشد جامعه اسلامی اهتمام ورزد و ارتقاء کیفی و کمی وسایل ارتباط جمعی و وظیفه مهم حکومت است. البته ارتقاء کمی و کیفی مطبوعات و رسانه‌ها برخلاف تلقی غربیان، به معنای کثرت عناوین مطبوعات و تیراژ فراوان آنها نیست، بلکه ملاک رشد در دیدگاه دینی، کیفیت اطلاعات و ارتباطات و واصل شدن به موقع آن به مردم و زمینه‌سازی اطلاعات جهت ارتقاء فرهنگ ملی است؛ بنابراین آنچه گفته شد، حکومت اسلامی نه تنها خود مانع انتشار اطلاعات مورد نیاز مردم نیست، بلکه باید در جهت رفع موانع ارتباطی تلاش کند و زمینه‌ساز تحقیق ارتباطات همگانی گردد.^{۵۳}

س: با توجه به مطالب عنوان شده، چه دلیلی بر کسب مجوز انتشار مطبوعات از دولت باقی می‌ماند؟ آیا اعمال چنین مقرراتی، ایجاد موانع در اطلاع‌رسانی به حساب نمی‌آید؟

ج: از آنجا که وظیفه حکومت اسلامی، جلوگیری از بروز هرج و مرج اجتماعی و رواج بزهکاری در جامعه است و عملکرد بسیاری از نشریات، در جهت ترویج فساد و لغزان کردن پایه‌های اعتقادی مردم و تضعیف دین و حکومت اسلامی است و نفوذ در رسانه‌ها و نشریات، از بهترین ابزار تهاجمی نظام کفر بر ضد نظام توحید است، ضرورت نظارت و کنترل حکومت به وضوح نمایان می‌شود. البته دستگاه نظارت‌کننده، نباید به این بهانه از نشر مطالب سودمند و مباح جلوگیری کند.

س: در صورتی که شخص یا نهادی، برخلاف شرع و قانون، از انتشار

ارتقاء کمی و کیفی مطبوعات و رسانه‌ها برخلاف تلقی غربیان، به معنای کثرت عناوین مطبوعات و تیراژ فراوان آنها نیست، بلکه ملاک رشد در دیدگاه دینی، کیفیت اطلاعات و ارتباطات و واصل شدن به موقع آن به مردم و زمینه‌سازی اطلاعات جهت ارتقاء فرهنگ ملی است

نشریه‌های جلوگیری کنند آیا ضامن خسارات است یا نه؟

ج: شخص یا گروه منع‌کننده نسبت به کلیه ضررهای وارده ضامن است. اما باید توجه داشت که ضرر با «عدم‌المنفعه» متفاوت است. به‌عنوان مثال اگر شخصی مانع از انتشار روزنامه‌ای بعد از حروف‌چینی و قبل از چاپ روزنامه شود، نسبت به ضررهایی همچون مخارج حروف‌چینی، فیلم و زینگ و مزد کارگران ضامن است؛ اما نسبت به سود که در فرض فروش نشریه عاید رسانه می‌شد ضامن نیست؛ چون این امور از قبیل نفع‌نبردن است نه از قبیل اضرار به دیگران.

س: حکم مسئله در آنجا که یک بنگاه رسانه‌ای، خبری مهم و دست اول تهیه کند و فردی از این بنگاه، خبر را به رسانه دیگر منتقل کرده و آن رسانه خبر دست اول را منتشر نماید، چیست؟

ج: اصولاً دلیلی بر انحصار اطلاع‌رسانی نداریم و هر شخص و گروهی می‌تواند خبری را که به وثاقت آن اطمینان دارد منتشر کند و چنانچه ذکر شد، ذکر کردن نام منبع خبری هم لازم نیست. اما در صورتی که حکومت احساس کند که چنین مسئله موجب خلل در کار اطلاع‌رسانی و ناامنی شده و به مصلحت جامعه اسلامی نیست، می‌تواند با تعیین ضوابطی آن را محدود کرده، به کنترل درآورد. اما اگر چنین عملی مصداق اضرار به غیر باشد، عملی حرام، ممنوع و ضمان‌آور است.

اما در پاسخ به سؤال دوم که بحث خودسانسوری، اختلال و یا نرساندن اطلاعات به مردم است، با چند عنوان مواجه هستیم:

الف: گاهی رسانه‌ها از درج اطلاعات خودداری می‌کنند: این به خودی خود اشکالی ندارد، اما اگر این عمل به گونه‌ای مصداق کتمان حق، بستن طریق هدایت بر مردم، سلب اعتماد مردم از نظام اسلامی و سست‌شدن پایه‌های باور دینی مردم گردد، عملی حرام و ممنوع خواهد بود.

ب: گاهی رسانه‌ها در مقابل در اخبار (غیر از موارد تبلیغاتی)، مبلغی مطالبه می‌کنند. مطالبه مبلغی در مقابل درج یک خبر، به ظاهر بلا اشکال است. اما اگر این مسئله روند رسانه‌ها شود، باعث می‌شود افراد و نهادهایی که در درج اخبار موردنظرشان کریمانه برخورد می‌کنند، مطبوعات و رسانه‌ها را در دست خود قبضه کنند و این امر در سیستم اطلاع‌رسانی اختلال ایجاد

کرده، مسائل بدون اهمیت جای مسائل مهم را می‌گیرد.

این مسئله اگر مصداقی از انحراف افکار عمومی از مسیر رشد و تعالی و اختلال در نظام اطلاعاتی حکومت اسلامی و تضعیف پایه‌های نظام باشد و ترویج ابتدال و فساد کند، ممنوع است و حکومت اسلامی می‌تواند برای مصونیت از چنین خطری، بنا به مصالح اجتماعی مسلمین، ضوابطی وضع کند.

ج: گاه رسانه‌ها به جای سانسور خبر، از شیوه‌ای عوام‌فریب استفاده می‌کنند؛ یعنی اطلاعات را منتشر می‌کنند اما پردازش و تیتربندی و تنظیم مطالب اطلاعاتی در کنار هم، موجب می‌شود افکار عمومی به مسئله‌ای دیگر منحرف شود؛ مثلاً رسانه‌های ایالات متحده در زمان بروز بحران سیاسی برای این کشور، مسئله کوکاکولا و پیسی کوکولا را بر سر زبان‌ها انداختند تا مسائل دیگر تحت‌الشعاع قرار گیرد. و یا مطبوعات زمان طاغوت در لایه‌های نشریاتی که مملو از اخبار مربوط به بازی‌های آسیایی تهران بود، خبر اعدام زندانیان سیاسی را درج کردند، به‌گونه‌ای که مخاطبان معمولاً توجه به مضامین این خبر نمی‌کردند. همچنین ممکن است خبر مهمی در صفحه‌ای به چاپ برسد که مخصوص اخبار دست‌دوم و سوم است.

در اینجا نیز ضابطه‌ای که قبلاً بیان شد تکرار می‌شود: اگر مسائلی محل ابتلای مردم باشد و لازم باشد مردم به آن متنبه شوند و چنین شیوه‌های درج خبر، موجب عدم اطلاع مردم از این مسائل و یا کتمان حقیقت و یا موجب سلب اعتماد مردم از نظام و یا سست‌شدن پایه‌های دینی و تضعیف دین گردد؛ قطعاً جایز نیست و رسانه‌هایی که از چنین شیوه‌هایی برای ضربه‌زدن به برادران دینی خود و زمینه‌سازی غفلت عمومی و تسلط بیگانگان استفاده کنند، مرتکب عمل حرام شده‌اند. به‌علاوه، چنین مطالب، به غرض شبهه‌ناک کردن حقیقت و مخلوط‌شدن حق و باطل در ذهن مخاطب، ممنوع است: وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَ تَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و حق را به باطل نیامیزید و حقیقت را با خود می‌دانید کتمان نکنید. (بقره: ۴۲)

د: رسانه‌ها گاه مسئله‌آفرینی می‌کنند. مراد از مسئله‌آفرینی توجه‌دادن مردم به اموری نیست که به آن توجه ندارند، چرا که یکی از وظایف خطیر مطبوعات توجه‌دادن مردم به مسائلی است

که در سرنوشت آنها مؤثر است، اما مردم به آن به اندازه لازم توجه و عنایت ندارند. بلکه مراد از مسئله‌آفرینی ایجاد مسائلی غیرواقعی و مهم کردن امور بی‌ارزش و کم‌اهمیت است. این عمل اگر در قالب پخش اخبار کذب و تهمت و افترا و... باشد، همان‌طور که گذشت، حرام است. اما بزرگ‌کردن یک مسئله و ایجاد مسائلی برای امت اسلام، در صورتی که به منظور منصرف کردن آنها از توجه به مسائل اساسی و وظایف مهم آنها، تضعیف باورهای دینی و اعتقادی، سست‌کردن پایه‌های اخلاقی و تضعیف نظام اسلامی باشد، مصداقی از تهاجم فرهنگی و تقویت کفر در مقابل توحید به حساب می‌آید و قطعاً عملی حرام است.

ه: گاه شیوه‌های تبلیغاتی دستگاه‌های خبری و تبلیغاتی به صورت ناخودآگاه، بدون آنکه به مردم فرصت فکر دهد، آنها را نسبت به مسائلی و یا وسایلی و اجناسی علاقه‌مند می‌کند. به‌عنوان نمونه، در بین مجموعه تصویرهایی که باید از جلو چشم تماشاگر بگذرد تا آن را زنده احساس کند، یک عکس مربوط به فلان سیگار را قرار می‌دهند و تماشاگر، بدون احساس رؤیت چنین منظره‌ای به آن جنس علاقه‌مند می‌شود. اگر چنین شیوه‌های تبلیغی در جامعه به صورت روند درآید، دارای آثار منفی بوده و حکومت می‌تواند آنها را محدود کرده یا ممنوع اعلام کند.

نکته: تمامی مسائل مربوط به واجبات و محرمات، در مورد درج آگهی‌ها هم مطرح می‌شود. به همین جهت تعیین ضابطه‌هایی خاص برای تبلیغات خارج از ضوابط خبری که سبب ابتلا به محرمات و ترک واجبات شود و فقط با دید اقتصادی به امور تبلیغی نظر افکند، جایز نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱- در کتیبه گنج‌نامه هم این عبارت از پادشاه ایرانی به چشم می‌خورد: «خداوند سرزمین مرا از دروغ و خشکسالی در امان دار».

۲- ر.ک: **المکاسب المحرمه**، شیخ مرتضی انصاری، مبحث حرمت کذب.

۳- ر.ک: همان مأخذ و **وسائل الشیعه**، ج ۸، ص ۵۷۵.

۴- **وسائل الشیعه**، ج ۱۸، **کتاب القضاء**، باب ۴، ص ۱۷، ح ۳۶.

۵- ر.ک: **المکاسب المحرمه**، امام خمینی، ج ۲، ص ۵۱.

۶- ر.ک: **وسائل الشیعه**، ج ۸، باب ۱۴۰، ص ۵۷۶، ح ۱۶۲۲۹ تا ۱۶۲۳۲.

۷- در احتیاط مستحب ترک بهتر و مطابق احتیاط است اما لازم نیست.

۸- **المکاسب المحرمه**، امام خمینی، ج ۲، ص ۵۱.

۹- ر.ک: **المکاسب المحرمه**، امام خمینی، ج ۲، ص ۳۳.

۱۰- ر.ک: آیت‌الله‌العظمی خویی، **مصباح‌الفقاهه**، ج ۱، ص ۳۹۴.

۱۱- ر.ک: **وسائل‌الشیعه**، ج ۸، ص ۵۷۸، باب ۱۴۱، ح ۱۶۲۳۳ تا ۱۶۲۴۳.

۲۱- همان مأخذ.

۳۱- همان مأخذ.

۴۱- ر.ک: **بحار‌الانوار**، ج ۷۵، ص ۱۹۳، باب ۶۲.

۱۵- **وسائل‌الشیعه**، ج ۸، ص ۶۰۳، باب ۱۵۲، ح ۱۶۳۲۶.

۱۶- **الکافی**، ج ۲، ص ۳۶۱، و **بحار‌الانوار**، ج ۷۵، ص ۱۹۸، ح ۱۹.

۱۷- **وسائل‌الشیعه**، ج ۸، ص ۵۸۷، باب ۱۴۵، ح ۱۶۲۶۷، و ر.ک: همین مأخذ دو حدیث بعد و **بحار‌الانوار**، ج ۷۵، ص ۱۴۲، باب ۵۶.

۱۸- ر.ک: **وسائل‌الشیعه**، ج ۸، ص ۵۹۴، باب ۱۵۰ (باب تحریم احماء عثرات‌المؤمن و عوراته لاجل تعییره بها).

۱۹- **وسائل‌الشیعه**، ج ۸، ص ۵۸۸، باب ۱۴۶، ح ۱۶۲۷۰، و ر.ک: همین مأخذ، احادیث ۱۶۲۷۱ تا ۱۶۲۸۱، ص ۵۹۰، باب ۱۴۷ و **بحار‌الانوار**، ج ۷۵، ص ۱۴۲، باب ۵۶.

۲۰- همان مأخذ، ح ۱۶۳۵۱.

۲۱- ر.ک: آیت‌الله‌العظمی خویی، **مصباح‌الفقاهه**، ج ۱، ص ۲۷۸.

۲۲- **وسائل‌الشیعه**، ج ۸، ص ۶۱۰، باب ۱۵۸، ح ۱۶۳۵۳.

۲۳- همان مأخذ، ح ۱۶۳۵۱.

۲۴- صدوق، **خصال**، ج ۱، ح ۹۵.

۲۵- امام خمینی، **المکاسب‌المحرمه**، ج ۱، ص ۲۶۱. در برخی احادیث هم عنوان شده است که مؤمن حق اذلال خود را ندارد. و نیز ر.ک: **وسائل‌الشیعه**، ج ۱، کتاب **امر به معروف و نهی از منکر**، باب ۱۳، ص ۴۲۵.

۲۶- **وسائل‌الشیعه**، ج ۸، ص ۶۰۴، باب ۱۵۴، ح ۱۶۳۳۱. احمدبن هارون از روایات این حدیث، از دیدگاه امام خمینی ممدوح است که به همین جهت از روایت به حسن تعبیر می‌شود و از دیدگاه آیت‌الله‌العظمی خویی احمدبن هارون مجهول و در نتیجه روایت ضعیف است. روایت ابوالختری هم به همین مضمون وارد شده است (ح ۱۶۳۳۲).

۲۷- امام خمینی، **المکاسب‌المحرمه**، ج ۱، ص ۲۰. و ر.ک: آیت‌الله‌العظمی خویی، **مصباح‌الفقاهه**، ج ۱، ص ۳۴۱.

۲۸- ر.ک: **الحاقه**، آیه ۴۴.

۲۹- آیت‌الله‌العظمی خویی، **مصباح‌الفقاهه**، ج ۱، ص ۲۸۲.

۳۰- **وسائل‌الشیعه**، ج ۱۱، ص ۵۰۸، کتاب **امر به معروف و نهی از منکر**، باب ۳۹، ح ۲۱۵۲۹ تا ۲۱۵۳۵.

۳۱- **وسائل‌الشیعه**، ج ۸، ص ۶۰۹، باب ۱۵۷، ح ۱۶۳۴۷.

۳۲- همان مأخذ، ج ۸، ص ۶۰۸، باب ۱۵۷.

۳۳- همان مأخذ، ج ۱۱، ص ۳۱۱، باب ۸۶.

۳۴- **نهج‌البلاغه**، نامه ۵۳.

۳۵- **تحریر‌الوسیله**، ج ۱، کتاب **امر به معروف و نهی از منکر**.

۳۶- **وسائل‌الشیعه**، ج ۸، ص ۶۱۴، باب ۱۶۲، ح ۱۶۳۶۶، و ر.ک: **بحار‌الانوار**، ج ۷۵، ص ۱۴۸، باب ۵۷، ح ۷.

۳۷- ر.ک: **وسائل‌الشیعه**، ج ۱۹، ص ۲۰۰، باب ۳۰، ح ۳۵۵۶۸، «حکم من روّع حاملاً فأسقطت الولد و مات».

۳۸- **وسائل‌الشیعه**، ج ۱۲، ص ۱۳۰، باب ۴۲، ح ۲۲۲۹۷، و نیز: ج ۱۲، باب ۴۲، و **مستدرک‌الوسائل**، ج ۱۳، ص ۱۲۲، باب ۳۵.

۳۹- **تحریر‌الوسیله**، ج ۱، بحث مکاسب، مسئله ۱.

۴۰- **تحریر‌الوسیله**، مبحث مکاسب محرمه، مسئله ۱۵.

۴۱- امام خمینی، **المکاسب‌المحرمه**، ج ۱، ص ۱۶۵.

۴۲- ر.ک: **تحریر‌الوسیله**، کتاب **دفاع**.

۴۳- در اموری که مورد اهتمام شارع است احتمال هم مؤثر است و باید به آن توجه کرد.

۴۴- ر.ک: **وسائل‌الشیعه**، ج ۱۱، ص ۳۲۷، باب ۷۱، و باب ۷۲.

۴۵- **وسائل‌الشیعه**، ج ۲۰، ص ۸۹۲.

۴۶- **وسائل‌الشیعه**، ج ۱۸، ص ۲۳۷، باب ۹، ح ۳۳۸۲۳، و ر.ک: احادیث دیگر همین باب.

۴۷- (مأخذ: ۳).

۴۸- امام خمینی (ره)، **المکاسب‌المحرمه**، ج ۱، ص ۱۳۱.

۴۹- ماهنامه **صبح**، ش ۱۶، استفتائات آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای.

۵۰- **الکافی**، ج ۲، ص ۳۶۶، و **بحار‌الانوار**، ج ۷۵، ص ۱۸۱، باب ۵۹، ح ۲۳.

۵۱- **تحریر‌الوسیله**، ج ۱، کتاب **دفاع**.

۵۲- خوانندگان محترم توجه دارند که مفهوم رشد در نظام دینی، با مفهوم رشد در جهان مادی یکسان نیست.

۵۳- آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در سخنان خود به دست‌اندرکاران مطبوعات کشور فرمودند: نیاز مردم به اطلاعات چون نیاز آنان به آب و هواست.